

تغییر رویکرد گروه‌های اسلامی ترکیه در روند الحاق به اتحادیه اروپا

حسین مفیدی احمدی^۱

دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۶/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۰/۱۱

چکیده

این مقاله در پی بررسی تغییر رویکرد گروه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اسلامی ترکیه در فرایند الحاق این کشور به اتحادیه اروپا است. به نظر می‌رسد روند الحاق به اتحادیه اروپا که به اروپایی شدن بیشتر ترکیه منجر شده است، از مهم‌ترین عوامل تغییر تدریجی ترجیحات، رفتار و گاهی هویت بخش مهمی از گروه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اسلامی این کشور بوده است. تغییراتی مانند بازتفسیر اندیشه‌ها و هویت اسلامی در انطباق با هنجارهای اروپایی و نیازهای بورژوازی جدید؛ تغییر نگاه به اتحادیه اروپا از خصم هویت اسلامی به دوست آن؛ بازتفسیر مفاهیمی مانند سکولاریسم و مدرنیزاسیون؛ درونی شدن تدریجی گفتمان‌های حقوق بشر، بازار و دموکراسی؛ انطباق با فرهنگ کسب‌وکار اروپا و استانداردهای هویت کارآفرینانه و رویه‌های اقتصادی اتحادیه اروپا و برجسته شدن تفاسیر عمل‌گرایانه و معتدل از اسلام. برای آزمون این فرضیه، نگارنده با بهره‌گیری از ادبیات اروپایی شدن تلاش می‌کند تا ضمن بررسی سیر تاریخی مواجهه گروه‌های اسلامی ترکیه با اروپا و غرب، تأثیر فرایند الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا را در ایجاد ساختار فرصت جدید، تغییر رفتار و گاهی تغییر هویت احزاب سیاسی اسلام‌گرا، جامعه مدنی اسلامی و همچنین گروه‌های تجاری و صنعتی اسلامی مورد ارزیابی قرار دهد.

واژه‌های کلیدی: اروپایی شدن، اتحادیه اروپا، ترکیه، گروه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اسلامی.

مقدمه

اهمیت ترکیه به عنوان یکی از بازیگران مهم منطقه‌ای و قدرتی نوظهور در صحنه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی موجب شده است تا تحولات داخلی این کشور مورد توجه پژوهش‌گران و تحلیل‌گران قرار گیرد. از دیگر سو، در تاریخ جمهوری ترکیه گروه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اسلامی از مهم‌ترین منابع کشش و منازعه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در این کشور بوده‌اند. از این رو، گرایش و رویکردهای فرهنگی، هویتی، سیاسی و اقتصادی آنها یکی از حوزه‌های مطالعاتی پرطرفدار بوده است. اکثر این گروه‌های اسلامی توسط کمالیست‌ها به عنوان مهم‌ترین تهدیدکننده روند سکولاریسم و مدرنیزه شدن ترکیه معرفی می‌شدند و از دیگر سو این گروه‌ها خود مهم‌ترین مخالف و منتقد تفسیر غیر منعطف و انحصاری کمالیسم از غربی شدن و سکولاریسم بوده‌اند. همچنین در دو دهه اخیر، این گروه‌ها به مهم‌ترین موتور پویایی‌های جدید جامعه ترکیه چه از منظر سیاسی و چه از منظر اقتصادی و اجتماعی تبدیل شده‌اند.

یکی دیگر از حوزه‌های مطالعاتی با اهمیت، تأثیر فرایند الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا بر سیاست‌های داخلی و خارجی این کشور بوده است. در سال‌های اخیر، اروپایی شدن^۱ در مطالعات روابط بین‌الملل و علوم اجتماعی به صورت عمومی و در مطالعات اروپایی به صورت خاص برای تجزیه و تحلیل این مسئله مورد استفاده قرار می‌گیرد که اروپا چگونه برای یک مسئله خاص داخلی یا خارجی یک کشور اروپایی یا کشوری متأثر از نهادهای اروپایی مهم است.

بررسی جایگاه فرایند الحاق به اتحادیه اروپا بر هویت و رفتار گروه‌های مختلف اسلامی ترکیه مانند سایر مطالعات حوزه اروپایی شدن، در مقاله‌ها و پژوهش‌های حوزه روابط بین‌الملل و مطالعات حوزه علوم اجتماعی ایران مغفول مانده است. البته با توجه به غنای ادبیات اروپایی شدن، مقاله‌های متعددی در فصلنامه‌های انگلیسی‌زبان در خصوص اروپایی شدن سیاست‌های داخلی و خارجی ترکیه منتشر شده است. با وجود این، مطالعات مربوط به تأثیر این فرایند بر رویکرد گروه‌های اسلامی ترکیه چندان پر دامنه نبوده است. از جمله این مطالعات می‌توان به مقاله یاوز^۲ (۲۰۰۴) در خصوص مدل «اسلام ترکی» اشاره کرد. یاوز



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۱۷۸

سال چهارم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۳

1. Europeanization

2. Yavuz

در این مقاله تأکید می‌کند که بعد از انتخابات سال ۲۰۰۲ ترکیه که به پیروزی حزب عدالت و توسعه انجامید، دفاع بخش مذهبی این کشور از اروپایی شدن، بسیار قاطعانه‌تر از بخش سکولار جامعه بوده است. یاووز علت این دفاع را استفاده از چتر حقوق بشری اتحادیه اروپا برای تضمین و گسترش حضور سیاسی و اجتماعی این بخش می‌داند. پارکر^۱ (۲۰۰۵) نیز در مقاله‌ای با استفاده از اصطلاح «اروپایی شدن اسلام» بر تأثیر اتحادیه اروپا در ایجاد یک هویت اروپایی - اسلامی^۲ فراملی دست می‌گذارد که متضمن ایجاد نوعی اسلام معتدل در کشورهای مختلف اروپایی است. به اعتقاد پارکر، گروه‌های اسلامی کشورهای اروپایی که قادر نیستند اهداف خود را در سطح ملی تعریف کنند، از ظرفیت‌های اتحادیه اروپا برای کسب حقوق خود استفاده می‌کنند و این تعامل مداوم با این اتحادیه رویکردهای آنها را نیز تغییر می‌دهد. این پژوهش‌گر همچنین مطرح می‌سازد که با عضویت کامل ترکیه در اتحادیه اروپا، گفتمان اروپایی - اسلامی تقویت خواهد شد. گاموسکو^۳ (۲۰۱۰) نیز در مقاله‌ای به بررسی تغییر چهره اسلام سیاسی در ترکیه و مصر پرداخته است و گسترش تعاملات اقتصادی «بورژوازی مومن»^۴ ترکیه را با اتحادیه اروپا، از جمله عوامل تغییر رویکرد این گروه می‌داند. در ضمن، پژوهشگرانی مانند یاناکایا^۵ (۲۰۰۹) در حوزه تأثیر فرایند الحاق بر گروه‌های اقتصادی و یاووز (۲۰۰۶، ۱۳۸۹) در حوزه تأثیر این فرایند بر احزاب و جامعه مدنی اسلامی مطالعاتی انجام داده‌اند که در این پژوهش از آنها استفاده شده است. با وجود این، این مقاله‌ها و سایر مقاله‌های منتشر شده در این حوزه، فاقد نگاهی جامع هستند که بینشی تاریخی، تفکیک و شمول سه گروه اصلی اسلامی و بررسی هم‌زمان تغییرات رفتاری و هویتی این گروه‌ها را بر اساس ساختار نظری برآمده از ادبیات اروپایی شدن و دو رویکرد خردگرا - نهادگرا و اجتماعی - سازه‌انگارانه آن دربرگیرد.

در این چهارچوب، این مقاله با بهره‌گیری از روشی توصیفی - تحلیلی با صبغه تاریخی و با استفاده از مبانی نظری ادبیات اروپایی شدن، در پی پاسخ به این پرسش است که رویکرد

1. Parker
2. Euro-Islam
3. Gumuscu
4. Devout bourgeoisie
5. Yankaya

گروه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اسلامی ترکیه در فرایند الحاق این کشور به اتحادیه اروپا چه تغییری کرده است؟ به نظر می‌رسد فرایند الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا^۱ از مهم‌ترین عوامل تغییر تدریجی ترجیحات، رفتار و گاهی هویت بخش مهمی از گروه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اسلامی ترکیه بوده و این اتحادیه به‌ویژه در پانزده سال اخیر از مهم‌ترین تسهیل‌کنندگان این تغییر بوده است. برای آزمون این فرضیه، نگارنده ضمن بررسی مفهوم و رویکردهای نظری اروپایی شدن تلاش می‌کند تا ضمن بررسی سیر تاریخی مواجهه گروه‌های اسلامی ترکیه با اروپا و غرب، تأثیر فرایند الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا را با تفکیک در رویکرد احزاب سیاسی اسلام‌گرا، جامعه مدنی اسلامی و همچنین گروه‌های تجاری و صنعتی اسلامی مورد واکاوی قرار دهد.

اروپایی‌شدن

اروپایی‌شدن متکی بر فرایندی است که چیزهایی — افراد، فرایندها، رویه‌ها^۲ و مردم — اروپایی شوند (بیچلت^۳، ۲۰۰۸: ۳۱). از زاویه‌ای دیگر، روند اروپایی‌شدن به معنای اصلاح ساختارهای داخلی، نهادها و سیاست‌هایی است که به‌منظور مواجهه با الزامات منطق سیستماتیک، پویایی‌های سیاسی و سازوکارهای اداری ادغام اروپایی است (موگا^۴، ۲۰۱۰: ۵). دو رویکرد عمده نظری پیرامون اروپایی‌شدن دولت‌ها، افراد، فرایندها، رویه‌ها و مردم وجود دارد. رویکرد نخست رهیافت خردگرا — نهادگرا است که در آن انطباق با هنجارهای اتحادیه اروپا به صورت عمده محصول محاسبه هزینه — فایده دولت‌ها است. به اعتقاد قائلین این رهیافت، اندازه و اعتبار مشوق‌های اتحادیه اروپا، هزینه‌های سیاسی داخلی انطباق با هنجارهای اتحادیه یا موقعیت بازیگران دارای حق وتو، انطباق داشتن یا نداشتن با این



انجمن مطالعات جهان اسلام

Islamic World Studies Association

جمعية دراسات العالم الإسلامي

فصلنامه علمی - پژوهشی

پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۱۸۰

سال چهارم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۳

۱. ارتباط ترکیه با اتحادیه اروپا و پیش از آن «جامعه اقتصادی اروپا» به تاریخ تشکیل آن جامعه برمی‌گردد که این کشور به‌عنوان «عضو وابسته» به آن پیوست. شورای اروپایی سرانجام در دسامبر ۱۹۹۹ در هلسنکی فصل جدیدی از روابط ترکیه و اتحادیه اروپا را گشود و ترکیه رسماً به‌عنوان کاندیدایی شناسایی شد که حق ورود برابر همانند دیگر کشورها به این اتحادیه دارد. در سال ۲۰۰۵ نیز فصل‌های مربوط به مذاکرات الحاق به روی ترکیه گشوده شد. اهمیت پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا در برنامه هشتم اقتصادی ترکیه که حاوی چشم‌انداز سال ۲۰۲۳ این کشور نیز است، نمود یافته است.

2. Practices

3. Beichelt

4. Moga

هنجارها را شکل می‌دهد. در این چهارچوب سازوکار شرط‌گذاری^۱ که در آن ارائه مشوق‌های سیاسی، اقتصادی یا اجتماعی را مشروط به اعمال هنجارهای اتحادیه می‌کند، به عنوان مؤثرترین راه پابندی به آن هنجارها تعریف می‌شود (ادمر^۲، ۲۰۱۰: ۷-۸). در این راستا، اروپایی شدن تغییرات در ساختار فرصت داخلی را نیز شامل می‌شود که به توزیع مجدد منابع و محدودیت‌ها برای کنش‌گران سیاسی داخلی منجر می‌شود (بورزل^۳ و رایس^۴، ۲۰۰۰: ۴). رهیافت دوم در خصوص اروپایی شدن نیز رهیافت اجتماعی - سازه‌نگارانه است. در این رهیافت این محاسبه هزینه فایده نیست که مسئله است، بلکه انطباق با هنجارهای اروپایی زمانی احتمال وقوع بیشتری می‌یابد که جامعه‌پذیری^۵ که به معنای درونی شدن هنجارها به وسیله دولت و عموم مردم است، رخ دهد. (ادمر، ۲۰۱۰: ۷-۸) اروپایی شدن در این چهارچوب فرایندی است که اروپا را به یک نقطه مرجع مشترک تبدیل می‌کند که به طور فزاینده در مناظره‌های داخلی مورد استناد قرار می‌گیرد و به صورت هم‌زمان باعث هم‌ترازی^۶ سیاست‌ها، فرایندهای سیاسی یا هویت اجتماعی با موارد مشابه در اروپا می‌شود (دیز^۷ و دیگران، ۲۰۰۵: ۲).

سیر تاریخی مواجهه جریان‌ات اسلامی ترکیه با اروپا و غرب

بعد از تأسیس نظام جمهوری، رویکرد و کنش جریان‌ات اسلامی ترکیه متأثر از عوامل متعدد داخلی و خارجی با فراز و نشیب فراوانی مواجه بوده است. اما نکته جالب توجه اینجا است که عامل اروپا و غرب همواره از جمله عوامل کنش و هویت‌بخش برای این جریان‌ات بوده است. بعد از تأسیس جمهوری، از مهم‌ترین اهداف نظام حاکم ترکیه، ایجاد دولت‌ملتی مشابه مدل اروپایی از طریق درونی کردن هنجارهای آن، کنترل اسلام به وسیله یک مذهب ملی و سکولار و شناسایی شدن به عنوان بخشی از جامعه اروپایی بوده است. در واقع، تلاش

1. Conditionality
2. Ademmer
3. Börzel
4. Risse
5. Socialization
6. Alignment
7. Diez

زمام‌داران کمالیست برای تحقق این اهداف و واکنش جریان‌ات و گروه‌های اسلامی به این اقدامات از جمله عوامل مهم تعیین‌کننده رویکرد، هویت و کنش این گروه‌ها بوده است. در واقع، تلاش دولت ترکیه برای تبدیل شدن به بخشی از جامعه اروپایی صرفاً با انگیزه‌های مادی صورت نمی‌گرفت، بلکه به تلاش ایدئولوژیک نخبگان جمهوری خواه برای کسب مشروعیت نیز بازمی‌گشت. بنابراین، از سال ۱۹۲۳ این نخبگان به دنبال تعریف هویت جامعه به عنوان هویتی اروپایی از طریق درونی کردن هنجارهای اروپایی بودند. مسئله مهم‌تر برای این نخبگان کمالیست، توجیه موقعیت ممتاز و غیرپاسخ‌گوی خود در جامعه بود. شرایط جنگ سرد و قرار گرفتن ترکیه در اردوگاه غرب نیز به شناسایی نهادی ترکیه در اروپا یاری رساند (یاووز، ۲۰۰۶ ب: ۲۳۳).

مسئله دیگر اینکه از منظر تاریخی، دولت ترکیه واجد سنت برتری سیاسی بر اسلام بوده است که به دوران عثمانی بازمی‌گردد. در دوران عثمانی نیز بدنه قانون به مصلحت‌اندیشی سلطان بازمی‌گشت که خارج از قلمرو شریعت و توجیه مستقیم اسلامی و مبتنی بر قواعد عقلانی به جای مبانی مذهبی بود (تاشپینار^۱، ۲۰۱۱: ۱۱-۱۲). البته روند اصلی سکولار شدن در ترکیه را باید در نیمه نخست قرن نوزدهم جست‌وجو کنیم که در روندی درون‌زا به عامل مهمی در پذیرش این اصلاحات به وسیله جامعه ترکیه منجر شد. این اصلاحات تحول از نظام سلطنت عثمانی به یک دولت ملت مشابه مدل اروپایی را برای کمال آتاتورک تسهیل کرد. جمهوری ترکیه اما از یک دولت چندمذهبی و چندقومیتی به دولتی متحول شد که صرفاً خطوطی از ناسیونالیسم ترکی و اسلام سنی را به عنوان دو منبع مشروعیت دولت کمالیست اخذ کرد. هژمونیک کردن هویت قومی ترکی همراه با هژمونی مذهبی در واقع برای تقویت تمامیت ارضی و تشکیل یک هویت ملی طراحی شده بود. به صورت هم‌زمان، این ایدئولوژی سیاسی - مذهبی، احساس ترس چندپارگی اجتماعی و ارضی ترکیه را بین طرف‌داران لائسیته در مقابل اسلام‌گرایان (بعد قانون اساسی)؛ ترک‌ها را در مقابل ناسیونالیست‌های کرد (بعد قومیتی) و سنی‌ها را در مقابل علوی‌ها (بعد مذهبی) برجسته ساخت که تا به امروز در میان کمالیست‌ها استمرار داشته است (کاراکاس^۲، ۲۰۰۷). در واقع، به‌منظور کنترل دین از طریق نهادهای سیاسی، جمهوری جدید کمالیستی نسخه «اسلام دولتی» خود را با ایجاد «اداره امور



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۱۸۲

سال چهارم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۳

1. Taşpınar

2. Karakas

مذهبی»^۱ به وجود آورد. هدف کمالیست‌ها کنترل اسلام با توجه به نیازهای دولت لائیک به وسیله یک مذهب ملی (ترک) و سکولار (اروپایی) بود (یاووز، ۲۰۰۶: ب: ۲۴۰).

نخبگان کمالیست که خود را اروپایی در نظر می‌گرفتند، فرایندی را دنبال می‌کردند که مسلمانان آناتولیایی را «بومی‌های عقب‌مانده‌ای» معرفی می‌کرد که آزاد شدن آنها از «زنجیر سنت و اسلام» تنها با پذیرش سنت مدرنیزه کردن رادیکال ممکن است. افراد بومی یعنی مسلمانان و کردها، «دیگران» داخلی ایدئولوژی کمالیستی شناخته شده و به حاشیه رانده می‌شدند (همان: ۲۳۱).

سیاست‌های انحصاری^۲ و غیریت‌بخش نظام حاکم بر ترکیه نسبت به گروه‌های اسلامی به این منجر شد که این گروه‌ها سه رویکرد را دنبال کنند: (۱) تأکید بر هویت دینی و اسلام به عنوان ریشه‌های تمدنی ملت ترکیه؛ (۲) نفی غرب‌گرایی و سیاست‌های تقلیدی و متجددانه نخبگان لائیک ترکیه و طرف‌داری از سیاست نگاه به شرق؛ (۳) پیگیری مشی محافظه‌کارانه در مقابل شیوه اصلاح‌گرایانه رادیکال کمالیست‌ها (موسوی، ۱۳۹۰). در واقع، مدل کمالیستی لایسیسته به صورت ناخواسته اسلام سیاسی «از پایین» را از طریق احزاب سیاسی و گروه‌های اجتماعی تسهیل کرد. هدف این گروه‌ها و احزاب، کمتر بر تبدیل ترکیه به یک دولت اسلامی متمرکز بوده است و بیشتر تضعیف انحصار کمالیسم در تفسیر دین، بهره‌برداری از احساسات ضد غربی مردم برای کسب رأی در انتخابات به‌ویژه در مناطق کردنشین و همچنین پایان دادن به محدودیت آزادی مذهبی را دنبال کرده است. نقطه آغازین سیاسی شدن اسلام «از پایین» انتقال ترکیه به سیستم چندحزبی دموکراتیک بوده است. پیروزی حزب محافظه‌کار مذهبی مندرس^۳ در سال ۱۹۵۰ (حزب دموکراتیک)^۴ نشان‌دهنده نقطه عطفی مهم در تاریخ ترکیه بود که در آن به قدرت سیاسی نه به عنوان ابزاری اداری برای تحریک پروژه‌ای دولت‌ساز و نخبه‌گرا (کمالیسم)، بلکه به عنوان ابزاری مشارکتی برای ابراز منافع (مذهبی) نگریسته شده است. در واقع، دولت مندرس باعث ممانعت از منشعب شدن یا معتبر شدن افراط‌گرایان مذهبی با افزایش مشروعیت دولت از طریق اتخاذ موضعی لیبرال در برابر اسلام شد. با

1. The Directorate of Religious Affairs (DRA)

2. Exclusive

3. Menderes

4. Demokrat Partisi (DP)

یکپارچه‌سازی این گروه‌ها، حزب دموکرات قادر بود تا اطمینان حاصل کند این گروه‌ها به جای تبدیل شدن به حرکت‌های زیرزمینی، بخشی از نظام پارلمانی می‌شوند. (کاراکاس، ۲۰۰۷) در این معنا دموکراسی چندحزبی، بهترین پادزهر اسلام سیاسی بوده است. در سایر کشورهای اسلامی، در غیاب آزادی بیان، آزادی مطبوعات، آزادی احزاب و آزادی انتخابات، مساجد و اسلام تنها رسانه برای مخالفت سیاسی بوده‌اند. در این شرایط، اسلام به عنوان یک راه‌حل برای حل تمام مشکلات مطرح می‌شود. شعار حزب اخوان المسلمین هم همین جمله بوده است (تاشپینار^۱، ۲۰۱۱: ۱۱-۱۲).

در این چهارچوب و در پاسخ به سیاست‌های سرکوب‌گرایانه جمهوری، نخبگان مخالف بر اعتبار^۲ خود و حق خود برای مقابله با نخبگان حاکم در درون نظامی چندحزبی تأکید کردند. در واقع، جامعه ترکیه هویت فرهنگی خود را به عنوان نتیجه بازشدن فضای فرصت اقتصادی و سیاسی جدید تداوم بخشید و در معرض مناظره اجتماعی قرار داد. در مناظره شکل گرفته با هویت ملی دولت محور ترکیه، هویت اسلامی به صورت فزاینده‌ای سیاسی شد. در این میان، گروه‌های صوفی از جمله گروه‌های نقش‌بندی و نورسی^۳ نقش سازنده‌ای در توسعه هویت اسلامی مخالف بر عهده گرفتند (دوران^۴، ۲۰۰۴).

در دهه ۱۹۷۰، نخستین احزاب اسلام‌گرا از محیطی دموکراتیک و پارلمان‌تاریستی با رهبری نجم‌الدین اربکان ظهور کردند. این احزاب نه تنها حقوق مردم دارای منافع مذهبی را در یک فرایند کثرت‌گرای بیان سیاسی نمایندگی می‌کردند، بلکه شرایطی را برجسته می‌ساختند که ذیل آن احزاب با اهداف اسلامی قادر بودند در دولت به فعالیت و مشارکت بپردازند. کودتای نظامی سال ۱۹۸۰^۵، نقطه عطفی در فضای سیاسی ترکیه بود. این کودتا باعث تغییراتی مانند اجباری شدن آموزش دینی در مدارس دولتی و استفاده از دیانت — اداره دولتی امور مذهبی — برای «ترویج همبستگی ملی و یکپارچه‌سازی» شد. این تغییرات نه تنها «اسلامی ملی» را موجب می‌شد، بلکه به اسلامی کردن ملت نیز منجر شد.

1. Taşpınar

2. Authenticity

3. Nursî

4. Duran

۵. با انجام این کودتا، نخست‌وزیر ترکیه سلیمان دمیرل از قدرت برکنار و مجلس ترکیه منحل شد.

دوران نخست‌وزیری تورگوت اوزال نیز نقطه عطفی در فعالیت و نگرش گروه‌های اسلامی ترکیه بود. در این دوره، اسلام به بخشی از هویت ترکی تبدیل شد. دولت در این دوره نه به عنوان مجموعه‌ای صرف از نهادها و سازمان‌ها بلکه به عنوان قهرمان هویت جمعی نگریسته می‌شد. سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی لیبرال اوزال گسترش گروه‌های ذی‌نفع مذهبی از جمله توسعه گروهی تجاری و مذهبی اما طرف‌دار دموکراسی یعنی «بورژوازی آناتولیایی» را موجب شد (کاراکاس، ۲۰۰۷).

ظهور حزب رفاه اسلامی^۱ در سال ۱۹۸۳ در درجه نخست به عوامل درون‌زا بازمی‌گردد؛ زیرا بدون تغییر ایدئولوژیک در بالاترین سطح دولت در سنتز ترکی - اسلامی میسر نبود. در این دوره، با توجه به تأثیر فرایند الحاق به اتحادیه اروپا، حرکت این حزب در راستای مؤلفه‌های دموکراتیک و جمهوری‌خواهانه صورت پذیرفته است. با وجود این، در این دوره شاهد اسلامی شدن بیش از پیش حوزه عمومی و سیاسی شدن مذهب در ترکیه هستیم. «فرایند ۲۸ فوریه»^۲ به انشعاب در جنبش اربکان و آغاز تغییرات ایدئولوژیک در اسلام‌گرایی ترکی و همراهی پویای آن در دموکراسی پارلمانی منجر شد. در این راستا، جناح اصلاح‌طلب جنبش اسلامی موفق به رها ساختن خود از ایدئولوژی حزب رفاه و ورود به مرحله پس‌اسلام‌گرایی شد. حزب عدالت و توسعه به عنوان نماینده این گروه اصلاح‌طلب گروهی است که سنتز اصلاح‌طلبی و محافظه‌کاری را نمایندگی می‌کند و از مرزهای تقسیم‌بندی‌های کلاسیک عبور می‌کند. (همان) در واقع، کودتای ۲۸ فوریه برای دگرگونی کامل نگرش گروه‌های سیاسی و اجتماعی اسلامی نسبت به ادغام ترکیه در اتحادیه اروپا حیاتی بود. آنها به سرعت فهمیدند که فرایند اروپایی شدن برای ایمن کردن دموکراسی و حقوق بشر در ترکیه حیاتی است (یاووز، ۲۰۰۶ ب: ۲۳۷-۲۳۸). در این راستا، این نهادهای کمالیستی بلکه گروه‌های اسلامی با همراهی کردها و علوی‌ها بودند که به طرف‌داران مشتاق ورود ترکیه به اتحادیه اروپا تبدیل شدند (داگی،^۳ ۲۰۰۳).

در چهارچوب تحولات داخلی و خارجی فوق، تحول گام به گام کنش و هویت گروه‌ها

1. The Islamist Welfare Party

۲. این فرایند به شبه‌کودتایی گفته می‌شود که به سقوط دولت ائتلافی اربکان نخست‌وزیر اسلام‌گرای ترکیه منجر شد.

3. Dagi

و جریان‌های اسلامی نسبت به اروپا ظاهر شد. ما شاهد تحول نگرش این گروه‌ها و احزاب از مخالفت با اروپا به عنوان نتیجه واکنش در مقابل تفسیر متصلب نظام حاکم از غربی شدن و اروپایی شدن و هویت‌بخشی به خود عنوان آلترناتیو غرب‌گرایی به سمت موافقت با پیوستن به نهادهای اروپایی بوده‌ایم. این مسئله با تفکیک سه گروه تأثیرگذار اسلامی ترکیه یعنی احزاب اسلامی، جامعه مدنی اسلامی و همچنین گروه‌های تجاری و صنعتی اسلامی در بخش‌های بعدی مقاله مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

احزاب اسلام‌گرا و اروپایی شدن

همان‌گونه که در بخش پیشین آمد، تلاش نظام کمالیستی ترکیه برای شکل دادن هویت ملی بر اساس تفسیری متصلب و انحصاری از «ترک بودن»، «مسلمان بودن» و «اروپایی بودن» به همراه تعامل مستمر احزاب اسلامی با نهادهای جهانی و اروپایی و استفاده آنها از چتر حقوق بشری این نهادها، تحول رفتار و هویت احزاب اسلام‌گرا را نیز به مانند سایر گروه‌های اسلامی به همراه داشته است.

حزب عدالت و توسعه نخستین حلول اسلامی سیاسی در ترکیه نیست. پیشینیان این حزب با مداخله نظامیان یا دادگاه قانون اساسی مواجهه یا تعطیل شده بودند. جالب توجه اینجا است که این مداخله‌ها به رادیکال شدن این احزاب منجر نشده و برعکس باعث معتدل‌تر شدن آنها شده است. حزب عدالت و توسعه به عنوان مثال برنامه‌های محافظه‌کارانه معتدل و عمل‌گرا را به جای اسلام‌گرایی مبارز دنبال می‌کند. به صورت مشابه حزب رفاه در دهه ۱۹۹۰ بسیار معتدل‌تر از پیشینیان آن از جمله حزب رستگاری ملی^۱ بود که در سال ۱۹۸۰ غیر قانونی اعلام شد. (تاسپینار، ۲۰۱۱: ۱۱-۱۲) در واقع، احزاب اسلام‌گرا همواره ضمن حفظ استراتژی «مبارزه با رژیم» سعی کرده‌اند از طریق مجاری قانونی برای به دست گرفتن قدرت مبارزه کنند و از فعالیت‌های رادیکال فاصله بگیرند. (موثقی و اعتمادی‌فر، ۱۳۹۲: ۱۷۴) همچنین، در تحولی درون‌هویتی، شاهد جابه‌جایی گفتمانی در میان اسلام‌گرایان بوده‌ایم. در ترکیه، گفتمان اسلامی شدن هویت اروپایی جای خود را به اروپایی شدن اسلام و نگاه به اتحادیه اروپا به عنوان خصم هویت اسلامی جای خود را به نگاه به این اتحادیه به عنوان دوست داده است.



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۱۸۶

سال چهارم، شماره سوم، پائیز ۱۳۹۳

1. National Salvation Party

این جابه‌جایی گفتمانی و اعتدال و تحول هویتی متأثر از دو فراگرد بوده است. رویدادهای دگرگونی‌ساز جهانی که مستقیم بر فهم ترکیه از «خود» و دگردیسی ذاتی سیاست‌ورزی نخبگان اثر گذاشته‌اند. میراث تاریخی حکومت عثمانی و «فرهنگ احساس ناامنی» نیز شکل‌دهنده دو قید اساسی در تکامل هویتی این کشور بوده‌اند.

بسیاری این جابه‌جایی را عطشی برای ماندگاری در برابر فشارهای گوناگون نظامی، حقوقی و اقتصادی و در راستای پیوند با گروه‌های لیبرال تعبیر و تفسیر می‌کنند. به این معنا که عامل مهمی که حزب عدالت و توسعه را به فاصله گرفتن از اسلام‌گرایی وادار کرد، «کودتای نرم» ۱۹۹۷ بود. کودتایی که به سقوط دولت ائتلافی نخست‌وزیر اسلام‌گرای ترکیه منجر شد. تصمیم دادگاه اروپایی^۱ نیز فضای تازه‌ای برای ظهور یک رهبری تازه بود که مصمم به گریز از سرنوشت رهبر پیشین خود بود. تفسیر این دگردیسی اما در چهارچوب صرفاً «ترس» از نهاد حکومت می‌تواند خطایی فاحش باشد (یاووز، ۱۳۸۹: ۳۴۳). در واقع، حزب عدالت ثمره دگردیسی اسلام است که خود متأثر از چهار عامل اجتماعی - سیاسی بوده است:

(۱) بورژوازی جدید آناتولیایی.

(۲) گسترش سپهر عمومی و طیف روشن‌فکران جدید مسلمان که حاصل آن بازپنداری در اسلام و آداب اسلامی در چهارچوب یک حکومت لیبرال - سکولار و بازپنداری در نگاه به اروپا به عنوان «غیر خودی» بود.

(۳) موازین کپنهاگ و هنجارهای اتحادیه اروپا که با یاری دادن به فرایند مهار بازیگران ضد نظام آنان را واداشته است تا با تغییری در رفتارها و راهبردها از این هنجارها به عنوان مرجعی برای انعقاد یک قرارداد اجتماعی جدید در ترکیه استفاده کنند (همان: ۱۲۹). در واقع بدون چشم‌انداز عضویت در اتحادیه اروپا، ترکیه از هر دو موتور محرکه مدرنیزاسیون و دموکراتیزه شدن محروم می‌شد؛ از روابط نظامی مدنی گرفته تا مسئله اکراد و از استقلال قوه قضاییه گرفته تا حقوق زنان. عضویت در اتحادیه انگیزه‌ای بزرگ برای اصلاحات ساختاری در ترکیه بود (تاسپینار^۲، ۲۰۱۱: ۱۱-۱۲). در این چهارچوب، بازتعریف و بازبینی روابط نیروهای

۱. سقوط حکومت نجم‌الدین اربکان و تعطیلی حزب رفاه که تحت رهبری او بود، از سوی دادگاه حقوق بشر اروپا مورد تأیید قرار گرفت. استناد محکمه حقوق بشر اروپا (در اوت ۲۰۰۱) به سه دلیل بود: طرح نظام‌های حقوقی موازی (نظام حقوقی لاییک و شرعی در کنار هم)، گفتمان اجرای حدود شرعی و سوم گفتمان جهاد در صورت ضرورت برای استقرار نظام مطلوب. (قاسمی، ۱۳۹۰)

2. Taşpınar

داخلی و کنش گران اصلی این کشور، مانند روابط ارتش و دولت و همچنین درک مشترک از مفاهیمی مانند امنیت ملی و نقش دولت در اقتصاد بدون چشم انداز عضویت در اتحادیه اروپا قابل تحقق نبوده است (محمد شریفی و دارابی منش، ۱۳۹۲: ۱۳۲).

۴) کودتای نرم ۲۸ فوریه بر ضد دولت ائتلافی اربکان.

حزب عدالت و توسعه هم محصول و هم مروج این دگردیسی بوده است. در واقع، با همه اهمیتی که موازین کپنهاگ در این تحولات داشته اند، فرو کاستن آرمان های این دگردیسی به صرف پذیرش هنجارهای اتحادیه اروپا نیز خطایی بزرگ است.

احزاب اسلامی که ابتدا اتحادیه اروپا را پدیده ای برای تضعیف هویت اسلامی و حاکمیت ترکیه قلمداد می کردند، در جریان انتخابات سال ۱۹۹۹ و سال ۲۰۰۳، اروپا را نه یک دشمن که بیشتر متحدی در مسیر دموکراتیزه شدن و توسعه اقتصادی به حساب آوردند و در نتیجه فرایند تحکیم دموکراسی و گسترش چتر حقوق بشری در ترکیه به موازین کپنهاگ برای پذیرش در اتحادیه پیوند زده شد. این اصلاحات فضای قانونی نوینی برای بازتعریف حکومت و جامعه، اسلام و سکولاریسم و مناسبات خصوصی فراهم ساخت. موضع اتحادیه اروپا که بهره گیری از اسلام در سیاست یا هر گونه اعمال شریعت را بر نمی تابد، اسلام گرایان ترک را واداشت تا زبان سکولار را برگزینند. در این راستا، حزب عدالت و توسعه نیز در جای دادن مسائل دینی و محلی در قاب بسیط تر اروپایی و زبان جهانی حقوق بشر و لیبرالیسم سیاسی موفق بوده است (یاووز، ۱۳۸۹: ۳۴۰-۳۴۳).

جامعه مدنی اسلامی و اروپایی شدن

در نگاه کلی، فرایند عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا، قدرت گیری سازمان های غیردولتی به عنوان بازیگران نوظهور در سیاست گذاری چند بازیگری ترکیه را به همراه داشته است. در تجزیه و تحلیل تحول در ساختار فرصت سیاست داخلی و خارجی ترکیه نمی توان از ارتباط میان حرکت تولید شده توسط فرایند الحاق به اتحادیه اروپا و افزایش برجستگی و اعتبار اقدامات جامعه مدنی در اعمال فشار برای لیبرالیزاسیون بیشتر غافل بود. در واقع، جامعه مدنی به حامی و هوادار دوآتشه اصلاحات دموکراتیک مربوط به اتحادیه اروپا تبدیل شده است (اریلماز^۱، ۲۰۰۷: ۴۱-۴۲).

فرایند الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا، صعود جامعه مدنی اسلامی و تغییرات رفتاری و هویتی این جامعه را نیز به همراه داشته است. این تحول رفتاری و هویتی به عنوان مثال در جنبش نور قابل ردیابی است. این جنبش یکی از گروه‌های عمده در جامعه مدنی اسلامی ترکیه است. این جنبش سه هدف عمده (۱) سنتز اسلام و علم، (۲) بالا بردن آگاهی اسلامی با تأکید بر ارتباط بین عقل و وحی و (۳) دستیابی به رستگاری این جهانی و آن جهانی درون بازار آزاد و آموزش با کیفیت را دنبال می‌کند (یاووز، ۲۰۰۶ ب: ۲۴۲). در این چهارچوب، این جنبش مهم‌ترین نماینده بعد صوفیانه اسلام است که به جای یک دستورکار رادیکال سیاسی بعدها اجتماعی، فرهنگی و عرفانی به اسلام ترکی می‌دهد و در این راستا نقش مهمی در ظهور مدل ترکیه‌ای اسلام معتدل داشته است (تاسپینار، ۲۰۱۱: ۱۱-۱۲).

گرایش طرفدار اروپایی جنبش نور، مبتنی بر علل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بوده است. این گروه نوصوفی به اتحادیه اروپا به عنوان ابزاری برای دموکراتیزه کردن جامعه (یعنی کاهش نقش ارتش)، به حاشیه راندن گروه‌های اسلامی رادیکال و ادغام گروه‌های حاشیه‌ای در سیاست و اقتصاد از طریق اشاعه دموکراسی و همچنین باز کردن فضای جامعه برای نقش‌آفرینی اسلام در جامعه می‌نگرد. یکی از رهبران پرنفوذ این گروه عبدالله گولن است. گولن استدلال گروه‌های اسلامی و ملی ضد اروپایی را رد می‌کند که پیوستن به اتحادیه اروپا باعث یکدستی فرهنگی و مذهبی ترکیه می‌شود، بدون آنکه راهی پیش روی غلبه بر تخاصم ذاتی مسیحیت علیه اسلام بگشاید. به اعتقاد او، تعامل با فرهنگ‌های مختلف منبعی برای پویایی و راهی برای جوان‌سازی^۱ جنبه جهانی اسلام برای ایجاد درک انسانی واقعی و جهانی است. علاوه بر این، او در ارتباط با حمایتش از جهانی شدن و درک جهان‌شمولی از اسلام، غرب را شریک و نه تهدیدی امنیتی می‌بیند. به طور خلاصه، هدف گولن ایجاد شکل جدیدی از مدرنیته است که همان‌قدر با احکام بنیادین اسلام سازگار است که با حقوق بشر و دموکراسی (یاووز، ۲۰۰۶ ب: ۲۴۲).

اروپایی شدن همچنین گفتمان محافظه‌کار مذهبی را حداقل در سطح هنجاری به صورت قابل توجهی تحت تأثیر قرار داده است. بازیگران اسلامی فرایند اروپایی شدن را در پرتو حقوق بشر، دموکراسی و اقتصاد بازار حتی اگر از منظر سیاسی به امکان حضور در عرصه

سیاسی و اجتماعی تفسیر شود، درک می‌کنند. این مسئله حتی تفسیر آنها را در خصوص مسائلی چون حقوق زنان متأثر می‌سازد (فرانک^۱، ۲۰۱۱: ۱۱). به این معنا که این گروه‌ها به سرعت فهمیده‌اند که فرایند اروپایی شدن برای ایمن کردن دموکراسی و حقوق بشر در ترکیه حیاتی است. البته این گروه‌ها در عین اینکه از فضای فرصت بازارهای در حال گسترش اروپایی و حمایت قانونی اتحادیه استفاده می‌کردند، جهان‌بینی و احساس آنها از «خود» نیز تغییر می‌یافت. به عنوان مثال، شاهدیم که مسلمانان ترکیه برای نخستین بار انجمن حقوق بشری خود را برای دفاع از حقوق خود و حقوق دیگر گروه‌هایی تأسیس کردند که تا پیش از این در حاشیه قرار داشتند. به عبارت دیگر، «حق متفاوت بودن» از طریق اسلام‌گرایان برای پیشبرد اهداف آنها مورد استفاده قرار می‌گیرد، اما همان حق توسط دیگر گروه‌ها نیز استفاده می‌شود. بنابراین، درونی شدن تدریجی گفتمان حقوق بشر و بازاندیشی در این باره که اگر حقوق یک گروه مورد تهدید قرار گیرد، حقوق همه تهدید می‌شود، تصوری پذیر خواهد بود. اگرچه ممکن است کسی این فرایند را به عنوان اروپایی شدن تاکتیکی و استفاده از گفتمان حقوق برای به دست آوردن منافع اقتصادی و دوری از فشارهای اعمال شده به وسیله دولت ببیند، دیگری ممکن است آن را به عنوان درونی شدن تدریجی آن موقعیت تاکتیکی در نظر بگیرد. اینجا است که غربی و مدرن شدن در ارتباط با واژگان دموکراسی، حقوق و اقتصاد بازار و نه شیوه لباس پوشیدن یا تفسیری سفت و سخت از لایسیسته بازتعریف می‌شود. به عبارت دیگر، شاهد روابط تعاملی نزدیک بین هویت اسلامی و منافع مرتب بر پیوستن به اتحادیه اروپا هستیم که در ابتدا ممکن است به جهت ملاحظه‌های تاکتیکی باشد، ولی به طور اجتناب‌ناپذیری مبانی ایدئولوژیک عمیق‌تر این گروه‌ها را تغییر داده است. گروه‌های اسلامی ترکیه سیاست‌ها و جهت‌گیری‌های خود را با هنجارهای جهانی منطبق کردند تا حمایت اتحادیه اروپا را برای حقوق دموکراتیک خود به دست آورند (یاووز، ۲۰۰۶ ب: ۲۳۷-۲۴۸). در واقع، با دور شدن از تفاسیر ذات‌گرایانه از اسلام که آن را دینی توسعه‌طلب، قوم‌محور و غیرکثرت‌گرا معرفی می‌کند، به این نکته می‌رسیم که تعامل متقابل گروه‌های اسلامی با اروپا باعث شکل‌گیری ادراک جدیدی از دیگری (اروپا) توسط آنها شده است. (همان: ۲۲۵)

همچنین، فرایند اروپایی شدن به فرمول‌بندی مجدد مطالبات سیاسی و اجتماعی مرتبط

با مذهب در ترکیه به سمت گفتمان مبتنی بر دموکراتیزه شدن حقوق بشر، حکومت قانون و چندفرهنگ‌گرایی منجر شده است (دوران، ۲۰۰۴: ۲۹۵-۲۹۷) که بر ادغام متقابل ایده‌ها و شیوه‌های اسلامی و اروپایی مبتنی است (یاووز، ۲۰۰۶ الف: ۲۵۶)، با امید به اینکه هم اتحادیه اروپا و هم افکار عمومی سکولارهای ترکیه را درباره مشروعیت میل به افزایش آزادی‌های مذهبی متقاعد کنند. استفاده‌های خلاقانه، مرتبط با روش تعریف از خود^۱ هویت‌های اجتماعی از طریق فرایند اروپایی شدن است. در نتیجه، تأثیرات اروپایی شدن به ابعاد گفتمانی و سیاسی موقعیت‌گیری اجتماعی گروه‌های اسلامی محدود نمی‌شود، بلکه این فرایند به هم‌ترازی بین الگوهای فکری و کنش آنها و هنجارها و رویه‌های اروپایی منجر می‌شود. درنهایت، گروه‌های اسلامی خود را درون یک فرایند تعاملی اروپایی شدن می‌یابند که از طریق یادگیری، اتحادیه اروپا را نه به عنوان یک ارائه‌دهنده فرصت سیاسی صرف بلکه به عنوان نقطه مرجع اصلی برای ارزیابی مجدد و بازتعریف هویت فردی و جمعی می‌بیند. این گروه‌ها با سیاسی کردن مسائل مذهبی مورد علاقه خود از جمله آزادی مذهبی، این مسائل را به روند سکولار شدن دولت در چهارچوب موازین اتحادیه اروپا پیوند زده‌اند و در عمل از عرفی شدن حکومت دفاع می‌کنند (یانکایا، ۲۰۰۹).

نکته قابل توجه دیگر این است که اگرچه حمایت عمومی از اتحادیه اروپا و همچنین فرایند الحاق در ترکیه همواره با فراز و فرود همراه بوده است، ولی بازیگران اصلی که مستقیم به وسیله اصلاحات سیاسی اروپا متأثر شده‌اند (از جمله گروه‌های اسلامی، کردها، غیرمسلمانان و زنان)، نسبت به الحاق به اتحادیه متعهد باقی مانده‌اند. به جهت تلاش این بازیگران برای ارتباط با اتحادیه و دولت ترکیه، فرایند اصلاح در ترکیه پویایی‌های داخلی خود را کسب کرده و به این دلیل کند شدن فرایند الحاق به تعلیق اصلاحات سیاسی منجر نشده است (روملیلی^۲، ۲۰۱۱: ۲۳۸).

گروه‌های تجاری و صنعتی اسلامی و اروپایی شدن

همان‌گونه که گفته شد، در تغییرات رفتاری و هویتی گروه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ترکیه هر دو عامل پویایی‌های داخلی و خارجی تأثیرگذار بوده‌اند. از منظر

1. Self-definition
2. Rumelili

پویایی‌های داخلی، سیاست‌های اوزال، پیش‌درآمد تغییرات بنیادین در سیاست‌های داخلی و خارجی ترکیه بوده است. تورگوت اوزال با کنار گذاشتن اقتصاد کلان مبتنی بر مؤسسه‌های بزرگ دولتی و میدان دادن به بخش خصوصی، راه را برای حرکت ترکیه به سوی آزادی اقتصادی هموار کرد. هرچند در دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ این آزادسازی فراز و نشیب‌های زیاد از جمله تورم بالا را به ارمغان آورد، ولی در باز کردن مسیر شکوفایی اقتصاد ترکیه اهمیت حیاتی داشت؛ زیرا روز به روز از نقش بخش دولتی در اقتصاد کاسته و بر نقش بخش غیردولتی و خصوصی افزوده شد (علی حیدری و رهنورد، ۱۳۸-۱۳۹۰).

اصلاحات اوزال در سال‌های ۱۹۸۰ همچنین به شکل‌گیری «ببرهای آناتولی» به عنوان قدرتی جدید و خودسامان در تاریخ ترکیه و رسته از حوزه نفوذ حکومت یاری داد که با پیشبرد دگردیسی اقتصادی نئولیبرال همراه با فرهنگی دینی و محافظه‌کار، سودای بازتعریف ترکیه را داشتند. بازرگانان و روشن‌فکران مسلمان در کنار موضع ضد کمالیستی خود، سعادت را نه تنها در حیات اخروی که در همین جهان نیز قابل دستیابی می‌دانستند. پیروزی اقتصاد بازار بر دولت‌گرایی کمالیستی، طرح آموزش خصوصی، توسعه شبکه‌های رسانه‌ای جدید، گسترش سپهر عمومی، تجلی وجوه تازه عقل‌ورزی به مفهوم انتزاعی آن، بازتعریف جایگاه حکومت و سکولاریسم در جامعه و نیز برداشتی نوین از هویت ترک و مفهوم شهروندی در ترکیه را نیز دربرداشت. اوزال اصطلاحات «حق» و «جامعه مدنی» را وارد گفتمان سیاسی ترکیه ساخت (یاووز، ۱۳۸۹: ۱۷۸-۱۸۳). در واقع، تحولات ساختاری عمیقی که در عرصه اقتصاد در دوره اوزال روی داد، مطالبات مشارکت‌طلبانه گروه‌های اجتماعی مختلف را جدی‌تر کرد. این خود نشان‌دهنده قوت جامعه مدنی و پررنگ‌تر شدن پلورالیسم در عرصه اجتماع بود (داراب‌زاده و دیگران، ۱۳۹۲: ۳۷).

عامل تأثیرگذار مهم دیگر در تغییر رویکرد گروه‌های صنعتی و تجاری ترکیه، فرایند الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا بوده است. در واقع، این فرایند و ساختار سیاسی جدید برآمده از آن، فرصتی را به این بازیگران ارائه داد تا به سیاست‌های خود در چهارچوب اروپایی شدن مشروعیت بخشند. بازیگران اجتماعی هویت‌ها، مواضع سیاسی و ترجیحات خود را در درون پویایی‌های جدید بستر سیاسی داخلی که به وسیله فرایند الحاق به اتحادیه اروپا فراهم شده است، بازتعریف می‌کنند. این بعد خواستار اروپایی شدن عمیق‌تر از آن چیزی است که

در سطح سیاسی وجود دارد؛ زیرا شامل استفاده خلاقانه از فرایند تعاملی الحاق به اتحادیه اروپا توسط بازیگران اجتماعی داخلی است. واژه «استفاده» روندها و تعاملات سیاسی را پوشش می‌دهد که با نزدیک شدن به اتحادیه اروپا به عنوان مجموعه‌ای از فرصت‌های نهادی، ایدئولوژیک، سیاسی و سازمانی تنظیم و بازتعریف می‌شوند (جاکوت^۱ و وول^۲، ۲۰۰۳: ۳-۴). در این چهارچوب، انجمن‌های تجاری ترکیه با وجود تفاوت‌های موجود در نگرش آنها نسبت به پیوستن به اتحادیه اروپا تا پیش از سال ۱۹۹۹، از جمله گروه‌های فشار فعال برای اروپایی شدن ترکیه بوده‌اند.^۳ این انجمن‌ها نه تنها به عنوان لابی‌کننده تغییرات مناسب سیاسی عمل کرده‌اند، بلکه به عنوان کارگزاران اروپایی شدن اجتماعی از طریق عضویت در شبکه‌های کسب‌وکار اروپایی مانند «اتحادیه صنعتی و کنفدراسیون کارفرمایان اروپا»^۴ و از طریق فعالیت‌های نمایندگی و لابی‌گری در نهادهای اتحادیه اروپا توسط دفاتر خود در بروکسل نیز مطرح بوده‌اند (یانکایا، ۲۰۰۹).

گرایش مثبت گروه‌های صنعتی و تجاری اسلامی ترکیه به سمت اتحادیه اروپا با تأخیر همراه بوده است. بین سال‌های ۱۹۹۴ و ۱۹۹۹ بخش عمده‌ای از فعالان اجتماعی و اقتصادی اسلامی در ترکیه جزء شکاکان اتحادیه اروپا بودند. مخالفت این گروه به تضادهای تمدنی و اختلاف میان ترکیه و اروپا در تمایز میان «ما و آنها» ارجاع داده می‌شد. این گروه‌ها جامعه مسلمانان جهان را یکی از بلوک‌های قدرت بین‌المللی می‌دانستند و بر این اعتقاد بودند که جهان اسلام باید ایجاد چشم‌انداز جدید جهانی را برای قرن بیست و یکم مورد توجه قرار دهد (یارار^۵، ۱۹۹۴: ۱). در این دوره، به اروپا به عنوان یکی از اضلاع مثلثی نگرسته می‌شد که به همراه اسرائیل و امریکا به سیاست، فرهنگ و اقتصاد ترکیه آسیب می‌زند. بعد از اعطای موقعیت نامزدی ترکیه در سال ۱۹۹۹، شاهد تحول گام به گام رویکرد

1. Jacquot

2. Woll

۳. از جمله TÜSIAD (انجمن صنعتگران و بازرگانان ترکیه) و İKV (بنیاد توسعه اقتصادی) که از دهه ۱۹۹۰ طرف‌دار اروپایی شدن ترکیه بوده‌اند. انجمن‌هایی مانند TOBB (اتحادیه اتاق‌های بازرگانی، صنایع، تجارت دریایی و مبادلات بورس ترکیه) و TİSK (کنفدراسیون اتحادیه‌های کارفرمایان ترکیه) نیز از کنش‌گران منفعل اروپایی شدن تا پیش از سال ۱۹۹۹ به طرف‌داران اروپایی شدن بعد از نشست هلسینکی تبدیل شدند (یانکایا، ۲۰۰۹).

4. Businessseurope

5. Yarar

گروه‌های صنعتی و تجاری ترکیه نسبت به اتحادیه اروپا هستیم. مثال این تحول رویکرد، استفاده خلاقانه از فرایند تعاملی الحاق به اتحادیه اروپا و بازتعریف از هویت فردی و جمعی گروه اسلامی «انجمن مستقل صنعت کاران و تجار»^۱ به عنوان یک مجموعه کسب و کار اسلامی عمده در ترکیه است. این انجمن در سال ۱۹۹۰ تأسیس شد و با هویت عمومی نهادی خود و شرکت‌های متوسط و کوچک محافظه کار مذهبی که آنها را نمایندگی می‌کند، در تقاطع حوزه کسب و کار و جنبش‌های اسلامی قرار می‌گیرد. این سازمان بیش از ۲۷۰۰ شرکت را در منطقه آناتولی سازماندهی می‌کند و شرکت‌های زیرمجموعه آن پانزده درصد درآمد ملی ترکیه را تولید می‌کنند و ۸۰۰۰۰ نفر را در استخدام دارند (یانکایا، ۲۰۰۹).

«انجمن مستقل صنعت کاران و تجار» پس از سال ۱۹۹۹ به گفتمان جدیدی پیوست که در انطباق با عضویت در اتحادیه اروپا بود و به صورت هم‌زمان از شخصیت اسلامی - دموکراتیک ترکیه دفاع می‌کرد (آتان، ۲۰۰۴: ۱۱۱-۱۱۲). در این دوره، این انجمن به عنوان گروهی که بر اخلاق اسلامی در اقتصاد و بر اهمیت مذهب در جامعه و زندگی شخصی تأکید دارد، ضمن اتخاذ مواضعی ملی‌گرایانه از جمله ابراز نارضایتی از شروط تحمیلی اتحادیه اروپا در خصوص مسائلی مانند قبرس و اعدام عبدالله اوچالان، رهبر کردهای جدایی طلب پ.ک.ک.، به سمت حمایت از پیوستن به اتحادیه اروپا حرکت کرد. این تغییر رویکرد یا هدف بهبود چهره ترکیه در عرصه بین‌المللی، افزایش سرمایه‌گذاری‌های خارجی، افزایش سرعت بازسازی اقتصادی ترکیه در انطباق با موازین کپنهاگ و انجام اصلاحات سیاسی و اجتماعی مرتبط با دموکراتیزه شدن، حاکمیت قانون و حقوق بشر و آزادی صورت پذیرفت. در واقع، این سازمان بیشتر بر مزایای اروپایی شدن اقتصاد مانند افزایش استقلال حوزه اقتصاد از مداخله دولت و رهایی حکمرانی اقتصادی از ناپایداری سیاسی تأکید می‌کرد تا احتمال پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا. نکته جالب اینجا است که بعد از رویدادهای مرتبط با حملات ۱۱ سپتامبر و نقشی که هم ترکیه و هم اتحادیه اروپا و غرب برای این کشور در برقراری گفت‌وگو با کشورهای اسلامی قائل شدند، عامل تمایز تمدنی را که در دهه ۱۹۹۰ عامل اصلی گرایش‌های ضد اروپایی این گروه‌ها محسوب می‌شد، به عاملی برای گرایش به سمت اروپا تبدیل کرد.

در این چهارچوب بعد از سال ۲۰۰۰، گروه‌های اسلامی ترکیه به برندگان فرایندهای مربوط به چشم‌انداز فزاینده پیوستن این کشور به اتحادیه اروپا تبدیل شدند. اتخاذ مشترکانه هنجارهای جهانی دموکراسی توسط گروه‌هایی مانند «انجمن مستقل صنعت‌کاران و تجار» نیز در هماهنگی با اتحادیه اروپا صورت پذیرفت. در این چهارچوب، اصلاحات دموکراتیزه شدن نه به عنوان مداخله اتحادیه اروپا در امور داخلی ترکیه، بلکه به عنوان مباحث دنباله‌دار ۲۰ سال اخیر دموکراتیزه شدن درباره پیشرفت سیاسی، بوروکراتیک و اقتصادی بازتفسیر شدند و ضرورت بیشتری به جهت آشفتگی‌های سیاسی، اجتماعی و روانی ایجاد شده در سال ۱۹۹۷ یافتند. اعتبار بیانیه‌های تشویق‌کننده نشست‌های سال‌های ۲۰۰۰، ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ اتحادیه اروپا؛ گزارش سال ۲۰۰۰ کمیسیون این اتحادیه در استقرار کنترل غیرنظامیان بر ارتش؛ تأثیر اقدامات آزادسازی در عملکرد سازمان‌های جامعه مدنی؛ تعهد قوی اروپایی شدن حزب عدالت و توسعه و حمایت صریح افکار عمومی از اتحادیه اروپا همگی مشوق این سازمان در به رسمیت شناختن فرصت‌هایی بوده است که اروپایی شدن مهیا می‌کرد و به نوبه خود به نفع اروپایی شدن بیشتر این سازمان نیز بوده است.

البته انجمن مستقل صنعت‌کاران و تجار در درجه نخست متعهد به منافع اقتصادی اعضای خود است و این مسئله به‌ویژه بعد از پویایی‌های مرتبط با برنامه‌های اقتصاد بازار در ترکیه در دهه ۱۹۹۰ باعث شد این سازمان زودتر از سازمان‌های اسلامی دیگر به تشخیص ضرورت انطباق اقتصادی ترکیه با سیستم اقتصادی اروپا برسد. تجارت به معنای ارتباط نزدیک‌تر تجار مرتبط با این سازمان با تجار، فضای کسب‌وکار و فرهنگ کسب‌وکار اروپایی و حرکت گام به گام به سمت انطباق با مفاهیم کسب‌وکار؛ استانداردهای هویت کارآفرینانه و رویه‌های اقتصادی اروپا بود. فعالان اقتصادی این سازمان، شیوه‌های کارآفرینی اروپایی را به جهت عملکرد روشن اقتصادی در کشورهای اروپایی و اخلاق کسب‌وکار شخصی بازرگانان اروپایی جایگزین شیوه‌های خود کردند. ساعات کار دقیق برای کارگران و کارفرمایان؛ سطح بالای حرفه‌ای بودن؛ تعاریف دقیق کار؛ نظم و انضباط کاری؛ اهمیت قائل شدن برای دانش و علم و همچنین سازوکارهای شفاف نظارت عناصر مهمی بودند که باعث ارزش نهادن فعالان اقتصادی اسلامی به فرهنگ کسب‌وکار اروپایی شد (یانکایا، ۲۰۰۹).

در واقع، اصلاحات اقتصادی نئولیبرال تورگوت اوزال و اصلاحات سیاسی با هدایت

اتحادیه اروپا مستلزم دگردیسی ایدئولوژیک — به ویژه بازتفسیر اندیشه‌ها و هنجارهای اسلامی برحسب نیازهای بورژوازی جدید — بود. همراهی ایده‌های بازار و ارزش‌های دینی خود نمود پویایی شیوه‌های نوین تفکری است که ذهنیت توده‌ها نسبت به مشروعیت نظم موجود را سامان می‌دهد. در این چهارچوب در ترکیه، یک زبان «پیوندی» در پاسخ به برخی نقاط ضعف برهانی نهفته در قرائت کمالیستی در حال ظهور است. اخلاق کمالیستی بر پایه تقابل دوسویه دینی — سکولار استوار بود که دین‌داران را واپسگرا و دشمنان ملت دولت سکولار و مدرن جلوه می‌داد. کمالیسم در طراحی بنیان هنجاری (دینی یا فلسفی) نرمش‌پذیر مناسب برای حکمرانی ناکام ماند. حال آنکه در زبان اخلاقی جدید، مسلمان بودن اسمی کافی نیست و فرد باید برای بسط و پرورش اصول اخلاقی منبعث از اسلام و مقابله با چالش‌های جدید به یاری عقل خود به مسلمانی آگاه به لحاظ سیاسی و اجتماعی بدل شود. در موازین نوین اخلاق کارآفرینی بر اهمیت پس‌انداز، کسب درآمد بیشتر و دست شستن از ذهنیت سنتی «قناعت به اندک» و تمرکز صرف بر عبادات دینی تأکید می‌شود (یاووز، ۱۳۸۹: ۴۲۵-۴۳۱).

خلاصه آنکه بسیاری از گروه‌های تجاری اقتصادی در یک روند یادگیری اجتماعی متأثر از ارتباطات وسیع با گروه‌های مشابه خود در اروپا، به ارزیابی مجدد فرهنگ کسب‌وکار و راهبردهای اقتصادی خود در انطباق با اخلاق، فرهنگ کسب‌وکار و همچنین استانداردها و قواعد اروپایی دست زدند و به بازتعریف هویت جمعی و رویه‌های خود پرداختند. این گروه‌ها به ارسال‌کننده هنجارها و استانداردهای اقتصادی اروپا به بازارهای غیراروپایی از طریق روابط تجاری خود و مشارکت در پلتفرم‌های بین‌المللی منطقه اوراسیا به‌ویژه در میان کشورهای اسلامی تبدیل شدند (یانکایا، ۲۰۰۹).



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association

جمعية دراسات العالم الإسلامي

فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۱۹۶

سال چهارم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۳

نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد، اروپایی شدن ترکیه که به اروپایی شدن بیشتر این کشور منجر شده است، در کنار سایر پویش‌های داخلی و خارجی از مهم‌ترین عوامل تغییر تدریجی ترجیحات، رفتار و گاهی هویت بخش مهمی از احزاب سیاسی اسلام‌گرا، جامعه مدنی اسلامی و همچنین گروه‌های تجاری و صنعتی اسلامی ترکیه بوده است. ساختار نظری این پژوهش بر نگاهی ترکیبی از دو رویکرد خردگرا - نهادگرا و اجتماعی - سازه‌نگارانه ادبیات اروپایی شدن استوار است و این نگاه تا حدود زیادی بدیع است. همان‌گونه که گفته شد، گرایش عمده پژوهش‌گران اروپایی شدن، استفاده از یکی از این دو رویکرد به عنوان چهارچوب نظری پژوهش است. با وجود این به نظر نگارنده، بررسی تأثیر اتحادیه اروپا بر رویکرد گروه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ترکیه از منظر نگاهی ترکیبی، قدرت تبیین‌کنندگی بیشتری دارد. همان‌گونه که رایس (۲۰۰۰) نیز بر آن تأکید کرده است، محیط‌های سیاسی و اجتماعی محیط‌های هستند که غالباً مناسبات قدرت و منفعت و نیز مناسبات استدلالی و گفتمانی را به صورت هم‌زمان دارند. در این چهارچوب می‌توان سه شکل استفاده و تأثیرپذیری گروه‌های اسلامی از اتحادیه اروپا را در ترکیه رصد کرد؛ استفاده راهبردی، استفاده مشروعیت‌بخشی و تأثیرپذیری گفتمانی. در این چهارچوب، فرایند الحاق به اتحادیه اروپا به تغییر رفتارها و ترجیحات این گروه‌ها به دلیل استفاده از مزایای این فرایند و استفاده از چتر حقوق بشری اتحادیه اروپا منجر شده است. در ضمن، این گروه‌ها با استفاده از زبان هنجاری این اتحادیه به مشروعیت‌بخشی به سیاست‌های خود پرداخته‌اند. همچنین، شاهد برخی تغییرات هویتی در این گروه‌ها در نتیجه این فرایند بوده‌ایم. مجموعه این ملاحظه‌های راهبردی و مناسبات گفتمانی، تأثیراتی مانند تغییر نگاه به اتحادیه اروپا از خصم هویت اسلامی به دوست آن؛ قدرت یافتن جامعه مدنی اسلامی؛ بازتفسیر اندیشه‌ها و هویت اسلامی در انطباق با هنجارهای اروپایی و نیازهای بورژوازی جدید؛ بازتفسیر مفاهیمی مانند سکولاریزم و مدرنیزاسیون؛ درونی شدن تدریجی گفتمان‌های حقوق بشر، بازار و دموکراسی؛ انطباق با فرهنگ کسب‌وکار اروپا و برجسته شدن تفاسیر عمل‌گرایانه و معتدل از اسلام را همراه داشته است.

به نظر می‌رسد، اگرچه حمایت عمومی از اتحادیه اروپا و همچنین فرایند الحاق در ترکیه همواره فراز و فرود داشته و خواهد داشت، ساختار فرصتی که اتحادیه اروپا در کنار سایر



عوامل داخلی و خارجی برای امکان یافتن ظهور و بروز هویت اسلامی ترکیه و همچنین تحول این هویت در راستای نیازهای روز این کشور فراهم کرده است، موجب سطحی از اعتبار و نفوذ گروه‌های اسلامی در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شده است که در عمل هیچ جریان یا حزب سیاسی قادر نخواهد بود بدون توجه به این بُعد مهم هویت ملی، قدرت یابد یا در قدرت باقی بماند.



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

۱۹۸

سال چهارم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۳

کتابنامه

- حیدری، علی محمد؛ رهنورد، حمید (۱۳۹۰)، «نوعثمانیگرایی و سیاست خارجی خاورمیانه‌ای ترکیه (با تکیه بر تحولات بهار عربی)»، *فصلنامه رهنامه سیاست‌گذاری*، س ۲، ش ۲، صص ۱۳۵ - ۱۶۰.
- داراب‌زاده، عاطفه؛ وثوقی، سعید؛ قربانی، محمد (۱۳۹۲)، «بررسی فرصت‌ها و چالش‌های گذار به دموکراسی در ترکیه از دهه ۱۹۸۰ تاکنون؛ از منظر نظریه سازه‌انگاری»، *فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، س ۳، ش ۴، زمستان، صص ۲۶ - ۴۸.
- قاسمی، محمدعلی (۱۳۹۰)، «سیر تحولات فکری و سیاسی در حزب عدالت، ترکیه از آلترناتیو اسلامی تا دموکراسی محافظه‌کارانه»، *ماهنامه مهرنامه*، ش ۱۰.
- محمدشریفی، مجید؛ دارابی‌منش، مریم (۱۳۹۲)، «راهبرد کلان آمریکا و چرخش سیاست خارجی ترکیه در خاورمیانه»، *فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، س ۳، ش ۳، پاییز، صص ۱۲۷ - ۱۵۰.
- موثقی، احمد؛ اعتمادی‌فر، امین (۱۳۹۲)، «زمینه‌های اجتماعی اسلام‌گرایان ایران و پس‌اسلام‌گرایی ترکیه»، *فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، س ۳، ش ۳، پاییز، صص ۱۵۷ - ۱۸۱.
- موسوی، سیدمسعود (۱۳۹۰)، «فراز و فرود حزب اسلام‌گرای رفاه در ترکیه، اسلام‌گرایان ارتدوکس»، *ماهنامه مهرنامه*، س ۲، ش ۱۰، فروردین، صص ۲۵ - ۲۸.
- یاووز، هاکان (۱۳۸۹)، *سکولاریسم و دموکراسی اسلامی در ترکیه*، (احمد عزیزی)، تهران: نی.
- Ademmer, Esther (2010), "EU Energy Governance in the Southern Caucasus, Does Russia Make a Difference?", *Berlin Graduate School for Transnational Studies*, <http://www.ecprnet.eu/databases/conferences/papers/348.pdf>.
- Atan, Serap (2004), "Europeanization of Turkey Peak Business Organisations and Turkey-EU relations", in Uğur, Mehmet; Canefe, Nergis (eds.), *Turkey and European Integration: Accession Prospects and Issues*, London, New York, Routledge, Pp.100-121.
- Börzel, Tanja A.; Risse, Thomas (2000), "When Europe Hits Home: Europeanization and Domestic Change", *European Integration Online Papers (EIoP)* 4 (15), <http://eiop.or.at/eiop/pdf/2000-015.pdf>.
- Beichelt, Timm (2008), "Dimensions of Europeanization", in Bafoil, François; Timm Biechelt (eds.), *L'Européanisation d'Ouest en Est*, Paris, Harmattan, Pp. 31-53.
- Dag'i, Ihsan (2001), "Human Rights, Democratization and the European Community in Turkish Politics: The Ozal Years", 1983-1987," *Middle Eastern Studies*, 37: 17-40.
- Diez, Thomas; Agnantopoulos, Apostolos; Kaliber, Alper (2005), "File: Turkey, Europeanization and Civil Society", *South European Society and Politics*, 10 (1), Pp. 1-15.
- Duran, Burhanettin (2004), "Islamist Redefinition(s) of European and Islamic Identities in Turkey", in M. Uğur and N. Canefe (eds.), *Turkey and European Integration:*



Accession Prospects and Issues, New York: Routledge, Pp. 125–146.

Duran, Burhanettin (2006), “JDP and Foreign Policy as an Agent of Transformation”, in Yavuz, Hakan (eds.), *The Emergence of New Turkey: Democracy and the AK Party*, Salt Lake City, University of Utah Press, Pp. 281-305.

Eryilmaz, Burcin (2007), “Europeanization of Turkish Foreign Policy: Cyprus Case”, *The 6th Convention of the Central and East European International Studies Association (CEEISA)*, In Cooperation with GARNET Network of Excellence, www.ceeisaconf.uni.wroc.pl/wordy/.../Eryilmaz%20full%20text1.pdf.

Frank, Ana (2011), “The Influence of Europeanization on Religious Discourses in Framing Gender Equality Policies in Turkey”, Peace Institute; Faculty of *Social Sciences, University of Ljubljana*, <http://www.ecprnet.eu/MyECPR/proposals/reykjavik/uploads/papers/1755.pdf>.

Gumuscu, S. (2010), “Class, status, and party: The changing face of political Islam in Turkey and Egypt”, *Comparative Political Studies*, 43(7), Pp: 835 –861.

Jacquot, Sophie; Woll, Cornelia (2003), “Usage of European Integration-Europeanization from a Sociological Perspective”, *European Integration Online Papers (EIoP)*, 7 (12).

Karakas, Cemal (2007), “Turkey: Islam and Laicism Between the Interests of State, Politics, and Society”, *Peace Research Institute Frankfurt (PRIF)*, <http://www.hsfk.de/downloads/prif78.pdf>.

Moga, T. (2010), “Connecting the Enlargement Process with the Europeanisation Theory: the Case of Turkey”, *CES Working Papers*, III, (1), www.cse.uaic.ro/WorkingPapers/articles/CESWP2010_I1_MOG.pdf.

Parker, Melissa (2005), “The Europeanization of Islam: The Role of the Multi-Level Structure of the EU”, *Paper prepared for presentation at the Ninth Biennial International Conference of the European Union Studies Association*.

Risse, Thomas (2000), “Let’s Argue: Communicative Action in World Politics”, *International Organization*, 54, no. 01, http://mitpress.mit.edu/journals/inor/pdf/inor_54_1_1_0.pdf.

Rumelili, B. (2011), “Turkey: Identity, Foreign Policy, and Socialization in a Post Enlargement Europe”, *Journal of European Integration*, 33:2, 235-249.

Taşpınar, Ömer (2011), “The Turkish Model and its Applicability”, *Mediterranean Paper Series*, The German Marshall Fund of the United States (GMF), http://www.iai.it/pdf/mediterraneo/GMF-IAI/Mediterranean-paper_13.pdf.

Thatcher, Mark (2004), “Winners and Losers in Europeanization: Reforming the National Regulation of Telecommunications”, *West European Politics*, 27 (2), Pp. 284-309.

Yankaya, Dilek (2009), “The Europeanization of MÜSİAD: Political opportunism,



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

۲۰۰

سال چهارم، شماره سوم، پائیز ۱۳۹۳

Economic Europeanization, Islamic Euroscepticism”, *European Journal of Turkish Studies*, 9, <http://ejts.revues.org/3696>.

Yarar, Erol (1994), *New Perspectives to the World on the Eve of the 21st Century*, Istanbul: MÜSİAD.

Yavuz, M. Hakan (2004), “Is There a Turkish Islam? The Emergence of Convergence and Consensus”, *Journal of Muslim Minority Affairs*, Vol. 24, No. 2.

Yavuz, M. Hakan (2006.a), *The Emergence of a New Turkey: Democracy and the AK Parti*, Salt Lake City: University of Utah Press.

Yavuz, M. Hakan (2006.b), “Islam and Europeanization in Turkish-Muslim socio-political movements”, in Byrnes, Timothy A. & Peter J. Katzenstein (eds), *Religion in an expanding Europe*, Cambridge: Cambridge University Press.

به این مقاله این گونه استناد کنید:

مفیدی احمدی، حسین (۱۳۹۳)، «تغییر رویکرد گروه‌های اسلامی ترکیه در روند الحاق به اتحادیه اروپا»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، س ۴، ش ۳، پاییز، ص ص ۱۷۷ - ۲۰۱.



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

